



### ناویاب به اندازه سودکو برایم جذاب بود

نفر سوم

اسم برنده سوم مسابقه «رضا صادقی» بود که همین اسم دست‌مایه‌ای شد تا در مرحله سوم حسابی مورد توجه «مقدم» (مجری برنامه) قرار بگیرد. او که دانشجوی حسابداری است برای فینال از کاشمر به مشهد آمده بود.

- راستش من خیلی استرس داشتم. این قدر استرسم زیاد بود که مدام لباسم را در می‌آوردم و حسابی سردم می‌شد و مجدد که تم می‌کردم احساس گرمای شدیدی داشتم.
- **ناویاب را تمرین می‌کردی؟**
- خیلی نه. من قبل از ناویاب سودکو حل می‌کردم. بعد دیدم که ناویاب می‌تواند به اندازه سودکو جالب باشد، بعد از آن بیش‌تر به سمت ناویاب آمدم.
- **حرف آخر؟**
- تشکر می‌کنم و امیدوارم با توجه به خلائی که هست برگزاری این طور مسابقات را بیشتر ببینیم.
- **مسابقه چطور بود؟**
- توپ بود و همه چیز عالی پیش رفت.
- **از ابتدا فکر می‌کردی در مرحله سوم حضور پیدا کنی و جایزه هم ببری؟**
- راستش فکر می‌کردم در فینال حضور داشته باشم اما این که جزو ۳ نفر اول باشم را نه!
- **با ناویاب چطور آشنا شدی؟**
- من از شماره اولی که در جیم چاپ شد با ناویاب آشنا شدم و بعد از آن هم همراه همیشگی این مسابقه بودم.
- **جیم را هم می‌خوانی؟**
- بله من بیشتر از یک سال است که مخاطب پر و پا قرص جیم هستم.
- **جیم چطور است؟**
- خیلی خوب است و من در فضای دانشگاه هم می‌بینم که خیلی‌ها به جیم علاقه‌مند هستند و جیم را مطالعه می‌کنند.
- **برگردیم به مسابقه مرحله آخر خیلی دیر برگهات را تحویل دادی، دلیلش چه بود؟**

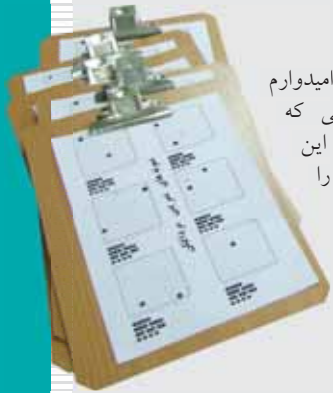


### ریاضیات و خلاقیت حل ناویاب!

نفر دوم

«هدیه لقمانی» دومین برنده مسابقه ناویاب تنها برنده‌ای بود که در مرحله دوم و از بین تمامی حاضرین به جمع شش فینالیست راه پیدا کرد. خانم لقمانی که دانشجوی کارشناسی ارشد است با اندکی اختلاف این جایگاه را به دست آورد.

- **فاصله خیلی کمی با نفر اول داشتید؟**
- بله، فقط با چند ثانیه اختلاف، دوم شدم.
- **استرس داشتید؟**
- خب مسابقه خیلی جذاب بود و خیلی هیجان داشت. از طرفی چون این طور مسابقات منطقی در کشور ما خیلی کم برگزار می‌شود، این استرس وجود داشت.
- **در مرحله اول خیلی زود برگه‌تان را تحویل دادید، اما ظاهراً اشتباه بود؟**
- بله من در مرحله اول چهارمین نفری بودم که برگه‌ام را تحویل دادم اما یک سطر را که می‌بایست ۴ تا خانه پر داشته باشد، ۵ تا وارد کرده بودم. خودم اصلاً فکر نمی‌کردم چنین اشتباهی کرده باشم چون بالاخره باید یک خانه اضافه بیاید. البته همان طور که گفتم استرس هم باعث شده بود که خیلی راحت اشتباه کنم.
- **چطور با ناویاب آشنا شدید؟**
- واقعیتش این است که برادرم ناویاب جیم را
- به من معرفی کردند و من خیلی دیر یعنی از ناویاب ۶ شروع کردم.
- **برای ناویاب تمرین هم می‌کردید؟**
- بله، من اوایل که شروع کردم برای هر جدولی که حل می‌کردم چند جدول هم خودم می‌کشیدم و طراحی می‌کردم. از طرفی من دیپلم ریاضی هستم و به مسائل ریاضی خیلی علاقه‌مندم. فکر می‌کنم این موضوع در خلاقیت حل ناویاب خیلی به من کمک کرد.
- **راستی شما اهل جیم هم هستید؟**
- من تقریباً یک سالی می‌شود که با جیم آشنا هستم و کمیک صفحه آخر را خیلی دوست دارم. البته چند وقتی هست که بیشتر صفحات را مطالعه می‌کنم.
- **حرف آخرتان درباره جیم یا ناویاب؟**
- امیدوارم جیم کارش را همین‌طور با قوت ادامه بدهد و مرحله دوم مسابقه ناویاب هم برگزار شود.

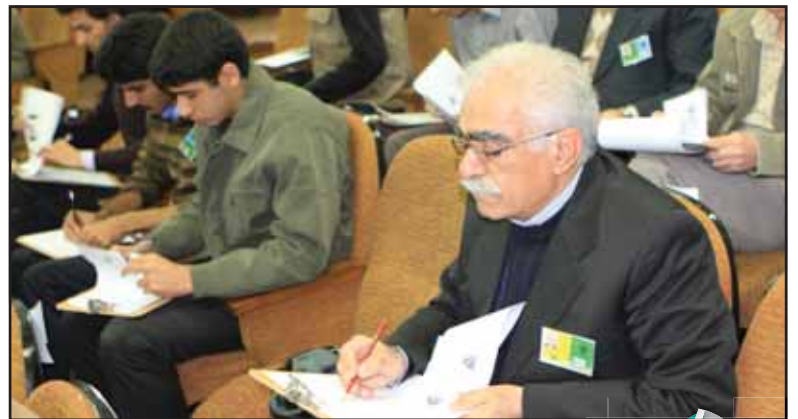


### خوشحالم که در ناویاب شرکت کردم

کوچک‌ترین

سیده حمیده منتخب فراهی با ۹ سال سن، کم سن و سال‌ترین شرکت‌کننده فینال جمعه گذشته بود. او که یکی از سه عضو خانواده فراهی حاضر در فینال و خواهر کوچک‌تر قهرمان مسابقات بود! هر چند گرفتن مصاحبه با توجه به سن کم او خیلی سخت بود اما با کمک برادرش توانستیم با او ارتباط برقرار کنیم. ضمناً ما برای گرفتن عکس چند باری در مرحله دوم حواسش را پرت کردیم اما اودقت زیادی در حل ناویاب داشت و حسابی حال ما گرفته شد.

- **از اول در ناویاب شرکت می‌کردی؟**
- نه اول خواهرم بودند، بعدها کم‌کم خودم هم یاد گرفتم، البته خواهرم به من کمک می‌کردند.
- **خودت اهل جیم هستی؟**
- آره، جیم را می‌خوانم اما نه همه صفحاتش را.
- **بیشتر کدام قسمت را دوست داری؟**
- همان آخرش را... کمیک را خیلی دوست دارم.
- **شما که کلاس چهارم هستی شرکت در مسابقه برات سخت نبود؟**
- نه، اوایل به من کمک می‌کردند، اما الان خودم می‌توانم ناویاب را حل کنم.
- **وقتی خواهرت به مراحل بالا می‌رفت خیلی استرس داشتی، درست‌ه؟**
- آره، خیلی استرس داشتم و دعا می‌کردم که مقام اول را کسب کنند.
- **می‌دانستی کوچک‌ترین شرکت‌کننده فینال هستی؟**
- آره باتوجه به سنم حدس می‌زدم که کوچک‌ترین شرکت‌کننده باشم، اما خیلی خوشحالم که توانستم در فینال شرکت کنم.



### موج ناویاب برای ما خانوادگی بود

مسن‌ترین

آقای احمدیان کلاته با ۶۳ سال سن، مسن‌ترین شرکت‌کننده مسابقه بود. حضور ایشان که به واسطه پسرشان با مسابقه آشنا شده بودند در نوع خودش جالب بود.

- **می‌دانستید که مسن‌ترین فرد شرکت‌کننده در مسابقه هستید؟**
- بله من قبل از این که بیایم این موضوع را می‌دانستم و خیلی خوشحالم که شرایطی فراهم شد تا با جوان‌ها و جیمی‌ها رقابت کنم.
- **جیم را می‌خواندید یا به واسطه مسابقه با جیم آشنا شدید؟**
- من خودم کمتر می‌خواندم. اغلب پسر که دوم دبیرستان است جیم را می‌خواند و نکاتی را به من نشان می‌داد و من هم مطالعه می‌کردم. البته از مسابقه پنجم یا ششم ناویاب هم جیم را مطالعه می‌کنم و هم در مسابقه شرکت می‌کنم.
- **به نظر شما جیم چطور است؟**
- بخش سرگرمی و طنز صفحه ۲ و ۳ خیلی زیباست. من خودم بیشتر روزنامه مطالعه می‌کردم اما از این به بعد صفحات جیم را حتماً دنبال می‌کنم.
- **پسران هم در این جمع حضور دارند؟**
- نه، ایشان یکی از پیامک‌ها را اشتباه فرستاد و انتخاب نشد! ما در خانواده با همکاری هم ناویاب را حل می‌کردیم و می‌فرستادیم اما پسر من در مراحل آخر اشتباه کرد.
- **پس موج ناویاب برای شما خانوادگی بود؟**
- بله، به هر حال مسابقه به نوعی بود که تمام اعضای خانواده را به خودش درگیر کرده بود.
- **به ویلاگ ناویاب هم خودتان سر می‌زدید؟**
- بله من خودم به ویلاگ سر می‌زدم!
- **پس حسابی جوان هستید؟**
- راستش من با ریاضی جوان ماندم و حتی در اولین مسابقه‌ای که در سال ۱۳۵۴ روزنامه کیهان برگزار می‌کرد در کشور اول شدم.
- **حرف آخر؟**
- تشکر می‌کنم از دست اندرکاران مسابقه که شرایط رقابت را فراهم کردند.